

ادبیات داستانی در دانشگاه: نگاهی نقادانه به درس ادبیات داستانی در برنامه دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی

عبدالرسول شاکری*

چکیده

در این مقاله، درس ادبیات داستانی، زیرمجموعه درس‌های اختیاری زمینه دوم فنون ادبی دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی (مصوب شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی به تاریخ ۱۳۹۱/۴/۴)، با نگاهی نقادانه در دو حیطه مرتبط، بررسی و تحلیل شده است. نخست درس ادبیات داستانی با جزئیات، شامل هدف، سرفصل‌ها و منابع بررسی شده و دوم، در نظرگاهی کلان‌تر، جایگاه این درس در ساختار کلی برنامه کارشناسی تحلیل شده است. در مورد توضیحات درس، در بخش هدف، یک مشکل روش‌شناسی اساسی وجود دارد. در این بخش شناخت نمایشنامه در کنار سایر شکل‌ها و انواع ادبیات داستانی آمده است، در حالی که نمایشنامه، خود، نوع ادبی مستقلی است و به هیچ روی زیرمجموعه ادبیات داستانی به شمار نمی‌آید. در بخش سرفصل‌ها، ضمن غلط‌های پرشمار نگارشی، افزون بر آمدن نوع ادبی نمایشنامه زیر عنوان ادبیات داستانی، تعدد و تنوع سرفصل‌های ده‌گانه موجب شده است دامنه کار از ظرفیت درسی دو واحدی بسیار گسترده‌تر شود. در بخش منابع اصلی، قدیمی و ناقص بودن منابع ضعف اصلی است و در بخش منابع پژوهشی، با توجه به کلی بودن عنوان درس، منابع دقیق نیستند و افزون بر این، منابع به‌روز رسانی نشده‌اند. در نگاه کلان، در برنامه کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، پیش‌فرضی بنیادین نادیده گرفته شده است و آن اینکه کلیه متون ادبی کلاسیک و معاصر فارسی (اعم از نظم و نثر) وقتی موضوع مطالعات دانشگاهی می‌شوند باید بر اساس نظریه‌های جدید ادبی تدریس و بازبینی و بازخوانی شوند. با چنین

* استادیار پژوهشکده توسعه و تحقیق علوم انسانی، سمت

تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۲۰

پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۴۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ص ۴۲-۵۴

پیش فرضی، و با عطف توجه به مقوله‌بندی‌های جهانی، ضمن توجه ویژه به نظریه‌های ادبی مدرن، ساختار این برنامه باید به سه بخش اصلی شعر، ادبیات داستانی و نمایشنامه تقسیم شود. در این صورت، ادبیات داستانی به جای قرار گرفتن در جایگاه درسی اختیاری، به یکی از بخش‌های سه‌گانه اصلی برنامه کارشناسی تبدیل خواهد شد.

کلید واژه‌ها

برنامه کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، نظریه‌های جدید ادبی، ادبیات داستانی، شعر، نمایشنامه.

مقدمه

از آغاز سده هجدهم میلادی، به دلایل گوناگون، از جمله رشد و توسعه طبقه متوسط، که با مواردی از قبیل افزایش چشمگیر جمعیت، بهبود وضع معیشت مردم، بالا رفتن سطح سواد عمومی، افزایش تعداد روزنامه‌ها و مجله‌ها و ... همراه بوده است (سندرز، ۲۰۰۰: ۳۰۳)، نوع ادبی نوظهور رمان گسترش یافت. بعضی پژوهشگران این نوع ادبی، ضمن برشمردن تمایزات رمان از ادبیات داستانی دوران کلاسیک، گسترش آن را بیشتر تحت تأثیر عوامل اقتصادی، و نقش بازار در جوامع سرمایه‌داری تحلیل کرده‌اند (مورتی، ۲۰۱۰). از جهات فلسفی، تغییرات عمده در جهان‌بینی انسان مدرن، اهمیت یافتن فردگرایی و سایر تحولات در فلسفه این دوران موجب شد مواردی از قبیل پیرنگ، توصیف، شخصیت، زمان، مکان و زبان به گونه‌ای یکسره متفاوت از دوران پیشامدرن در کانون توجه رمان‌نویسان قرار گیرد (وات، ۱۳۸۶). به عبارتی دیگر «این جهان بدون حضور نیرویی متافیزیکی، ناگهان در ابهامی ترسناک فرو رفت، یگانه حقیقت متافیزیکی به صورت صدها حقیقت نسبی در آمد که آدیان به آن روی آوردند. بدین گونه، جهان عصر جدید و رمان که تصویر و الگوی آن بود، تولد یافت» (کوندرا، ۱۳۹۴: ۴۴).

افزون بر ظهور نوع ادبی رمان در جهان مدرن، داستان گویی، طی تاریخ زندگی بشر رابطه‌ای مستقیم با تحولات مربوط به فرهنگ داشته است. تأثیرات داستان گویی بر تحولات فرهنگی به اندازه‌ای است که سیر تحولات فرهنگی و چگونگی مواجهه انسان با مسائل مهم هستی را در زنجیره‌ای از آثار داستانی، از حماسه گیلگمش، عهد عتیق، ایلپاد، اودیسه، روایت‌های ایرانی، چینی، رومی و هندی باستان گرفته تا رمان‌های پسامدرن عصر حاضر، می‌توان جست‌وجو کرد. ادبیات داستانی در سراسر دوران پیشامدرن تا کنون از

پرکار کردترین مؤلفه‌های فرهنگی در جوامع گوناگون بوده است. به گفته یکی از پژوهشگران حیطه داستان‌نویسی، «تا پیش از دوران معاصر، نبرد بر سر داستان‌ها مؤلفه اساسی رویارویی‌های سیاسی بود. کسی که داستان‌ها را کنترل می‌کرد باور انسان‌ها را هم در قبضه داشت» (کروزه، ۱۳۹۵: ۶۰). در نظریات لیوتار، نقش کلان‌روایت‌ها در دوران مدرن به عنوان ابزارهای یکپارچه‌سازی و مشروعیت‌دهی در دوران پسامدرن به کلی متحول می‌شود و این روایت‌ها در واقع جاذبه و تأثیرگذاری خود در مقیاس‌های کلان را از دست می‌دهند (لیوتار، ۱۹۹۶: ۱۷۲؛ به نقل از کروزه، ۱۳۹۵: ۶۱). می‌توان گفت در چنین شرایطی، روایت‌های گوناگون و متکثر در قالب ادبیات داستانی اهمیت می‌یابند، چنانکه ادبیات داستانی همچنان با فرهنگ بشری رابطه‌ای تنگاتنگ دارد و در قالب‌های متفاوت نقشی اساسی در جامعه‌های گوناگون ایفا می‌کند.

ادبیات داستانی در ایران و تدریس آن در نظام دانشگاهی

ادبیات فارسی طی دوره‌ای هزار ساله و تا دوران منتهی به سده بیست میلادی و انقلاب مشروطه مبتنی بر شعر و نظم بوده است و از حدود قرن ششم هجری، با رواج نثر فنی و مصنوع، اغلب صنایع و آرایه‌های مربوط به نظم و شعر در نثر نیز به کار می‌رفت و اغلب متون مثنوی فارسی نیز ترکیبی از نظم و نثر بود. اهمیت نظم و شعر در نظام ادبی فارسی به حدی بوده است که طی دوره‌ای طولانی، نثر به نظم نزدیک شد و این روند تا اوایل دوره قاجاریه ادامه یافت. این تحولات، همگی، حاکی از مرکزیت بلامنزاع نظم و شعر در نظام زبانی و ادبی کلاسیک فارسی است. در سراسر دوران پیشامدرن، شمار افراد با سواد در جامعه ایرانی بسیار اندک بوده است و مخاطبان نثر فارسی، حتی در مقایسه با مخاطبان شعر، عموماً خواص و نخبگان بوده‌اند. شاهکارهای ادبیات فارسی، از قبیل شاهنامه، رباعیات خیام، منطق‌الطیر، آثار سعدی، مثنوی مولوی و دیوان حافظ همگی به شعر هستند. آثار مثنوی بسیار معروف و پرمخاطب، از قبیل گلستان سعدی، طی تاریخ ادبیات فارسی به مواردی اندک محدود می‌شود، ضمن اینکه در اغلب این آثار مثنوی، آمیختگی نظم و شعر با نثر نیز جالب توجه است. اغلب قصه‌های ایرانی و فارسی تا سال‌های منتهی به انقلاب مشروطه منظوم بوده‌اند. افزون بر قصه‌های منظوم، بخشی از سنت شفاهی قصه‌های ایرانی در دوره‌هایی به صورت نوشتار (مثنوی) درآمده‌اند که از این میان سمک عیار در سده پنجم یا ششم هجری و *امیرارسلان نامه* در دوره قاجاریه نام‌بردی هستند. در ایران، از سال‌های منتهی به مشروطه

به تدریج نثر در نظام ادبی فارسی اهمیت یافت و تحت تأثیر تجدد، طی روندی که چندین دهه طول کشید، جایگزین نظم و شعر در این نظام دیرینه شد.

چنانکه گفته شد، در نظام سنتی ادبیات فارسی، نظم و شعر مرکزیت داشته است. این موضوع در برنامه درسی دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، مصوب شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی به تاریخ ۱۳۹۱/۴/۴، که مبنای بررسی در این جستار هم هست، دیده می‌شود، بدین گونه که از میان بیست درس مربوط به متون در درس‌های الزامی این دوره، پانزده درس به متون نظم و فقط پنج درس به متون نثر اختصاص داده شده است. (تأکید بر متن خوانی صرف، بدون در نظر گرفتن روش‌شناسی‌های نوین نیز از جمله ایرادهای این برنامه است که موضوع این جستار نیست). زیر عنوان درس‌های الزامی، یک درس دو واحدی دیگر با عنوان جریان‌شناسی نثر معاصر ایران وجود دارد. در جدول درس‌های اختصاصی این دوره، درس سبک‌شناسی (۲) نثر گنجانده شده است. در نتیجه، بدون در نظر گرفتن درس‌های اختیاری، کل درس‌های مربوط به نثر فارسی هفت درس دو واحدی را شامل می‌شود که از این میان، پنج درس متن خوانی صرف است.

سهم اندک ادبیات منثور در برنامه درسی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی تا حدودی توجیه‌پذیر است چون چنانکه گفته شد در نظام ادبی کلاسیک فارسی، شعر و نظم اهمیت بیشتری داشته است و از آنجا که این برنامه، درست یا نادرست، بیشتر بر ادبیات کلاسیک فارسی متمرکز است، طبیعی است که سهم شعر و نظم در آن بیشتر از نثر باشد. اما نکته جالب توجه این جاست که در هیچ یک از بخش‌های درس‌های پایه الزامی، درس‌های اصلی الزامی و درس‌های تخصصی، به جز یک عنوان، درسی با عنوان یا موضوع ادبیات داستانی - حتی به نظم - دیده نمی‌شود. این در حالی است که بخش عمده‌ای از ادبیات داستانی کلاسیک فارسی به صورت منظوم است. درس‌های مربوط به متون نثر در این برنامه عبارت‌اند از: ۱. متون نثر (۱)، متون ادبی - تاریخی با تأکید بر تاریخ بیهقی؛ ۲. متون نثر (۲)، متون ادبی - داستانی با تأکید بر کلیله و دمنه؛ ۳. متون نثر (۳)، متون ادبی - تعلیمی با تأکید بر گلستان سعدی؛ ۴. متون نثر (۴)، متون ادبی - عرفانی با تأکید بر مرصادالعباد؛ ۵. متون نثر (۵)، متون تفسیری با تأکید بر کشف‌الأسرار و تفسیر ابوالفتح. صرف نظر از اشکالات پرشماری که این تقسیم‌بندی مضمونی دارد، در درس متون نثر (۲)، به ادبیات داستانی منثور توجه شده است. در توضیحات این درس، هدف آن، آشنایی با متون ادبی ذکر شده است. معقول‌تر این بود که هدف این درس، آشنایی با متون داستانی

کلاسیک فارسی عنوان می‌شد. توضیحات این سرفصل زیر چهار عنوان آمده است: ۱. کلیات: ادبیات داستانی: داستان، قصه حکایت، فابل و...؛ ۲. سابقه ادبیات داستانی در زبان فارسی و سیر تحول آن در برجسته‌ترین متون نثر فارسی مانند کلیله و دمنه، هزار و یک شب، داراب‌نامه، اسکندرنامه، مرزبان‌نامه، و انوار سهیلی؛ ۳. تدریس و رفع اشکال کلیله و دمنه؛ ۴. معرفی و نقد منابع. فارغ از اینکه در یک درس دو واحدی که بر متن مشخصی (کلیله و دمنه) هم تکیه دارد، این میزان تعدد و گوناگونی چه اندازه می‌تواند منطقی باشد، در بخش منابع اصلی این درس، فقط کتاب کلیله و دمنه (با دو تصحیح مینوی و حسن زاده آملی) آمده و چهارده منبعی که به عنوان منابع پژوهشی معرفی شده است یا متن داستانی است یا کتاب‌هایی در تحلیل کلیله و دمنه و هزار و یک شب. دقت در بخش منابع این درس (اصلی و پژوهشی) نشان می‌دهد که، به‌رغم توجه به بعضی مبانی نظری و سیر ادبیات داستانی فارسی در سرفصل‌های یک و دو، این درس همچنان متن‌محور است.

۱. درس ادبیات داستانی

درس ادبیات داستانی زیرمجموعه درس‌های اختیاری زمینه دوم فنون ادبی دوره کارشناسی آمده است. هدف این درس این‌گونه اعلام شده است: «شناخت ادبیات داستانی، انواع قصه، حکایت، داستان، رمان و نمایشنامه و ویژگی [آن‌ها] در ادب پارسی به همراه حرفه (۱)، تحلیل و نقد بهترین نمونه‌ها». (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۱: ۱۲۷)

طبق برنامه مصوب، سرفصل‌های این درس عبارت‌اند از:

۱) تعریف داستان و گونه‌های مختلف آن [شامل] حکایت، مقامه، قصه، افسانه، داستان، داستان کوتاه، رمان، نمایشنامه و...؛ ۲) تفاوت قصه، داستان و رمان؛ ۳) معرفی عناصر داستان، طرح، پیرنگ، فضاسازی، شخصیت، حادثه، تعلیق، گفتگو، زاویه دید، درون‌مایه و...؛ ۴) بیان سبک‌های داستانی در ایران و جهان و (!) کلاسیسم (!)، رمانیسم (!)، رئالیسم، سوررئالیسم (!)، ناتوریسم، مدرنیسم و پست مدرنیسم (با ذکر نمونه‌های آن)؛ ۵) معرفی و تحلیل بهترین نمونه حکایات، قصص و افسانه‌های کهن ایران؛ ۶) معرفی و تحلیل سبک داستان نو و آثار نمونه از جمالزاده تا جلال آل‌احمد؛ ۷) معرفی و تحلیل نمادی داستانی از جلال (!) تا هوشنگ مرادی کرمانی؛ ۸) داستان کودک و نوجوان و نمونه‌های ممتاز؛ ۹) داستان جریان سیال ذهن؛ ۱۰) داستان‌های دفاع مقدس (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۱: ۱۲۷).

دو منبع اصلی برای این درس آمده است: ۱. میرصادقی، جمال، عناصر داستان،

چاپ اول، انتشارات شفا، تهران؛ ۲. میرصادقی، جمال، *ادبیات داستانی قصه رمان داستان کوتاه با نگاهی به داستان‌نویسی معاصر ایران*، انتشارات شفا، تهران. منابع پژوهشی نیز عبارت‌اند از: ۱. یونسی، ابراهیم، *هنر داستان‌نویسی*، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر؛ ۲. وستلند، پیتر، *شیوه‌های داستان‌نویسی*، چاپ اول، ترجمه محمدحسین عباسپور، نشر مینا، تهران؛ ۳. رهگذر، رضا، *الفبای قصه‌نویسی*، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران؛ ۴. مارزلف، اورلیش، *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، نشر سروش، تهران؛ ۵. ابراهیمی نادر، *پنج هزار سال داستان‌نویسی*؛ ۶. عابدینی، حسن، *صد سال داستان‌نویسی در ایران*، چاپ اول، نشر تندر، تهران؛ ۷. حسن بیگی، ابراهیم، *گزیده ده سال داستان‌نویسی*؛ ۸. مولوی، فرشته، *کتاب‌شناسی داستان کوتاه ایران و جهان*، نشر نیلوفر، تهران؛ ۹. براهنی، رضا، *قصه‌نویسی*، انتشارات اشرفی، تهران.

۲. بررسی نقادانه درس

در این جا، نخست با جزئی‌نگری توضیحات درس، شامل ۱. هدف، ۲. سرفصل‌ها و ۳. منابع، را بررسی می‌کنیم و سپس از نظر گاهی کلان‌تر، با عطف توجه به کل برنامه کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، درباره اهمیت این درس و جایگاه آن در برنامه درسی دانشگاهی و همچنین در مطالعات ادبی بحث و در پایان نیز پیشنهادهایی ارائه می‌کنیم.

۲-۱ هدف

در توضیحات مربوط به هدف درس، صرف‌نظر از دو ایراد نگارشی، شامل واژه مجهول «حرفه» و نیامدن ضمیر مرجع «آنها»، یک ایراد روش‌شناسی اساسی وجود دارد. در این بخش، شناخت نمایشنامه در کنار سایر شکل‌ها و انواع ادبیات داستانی آمده است، در حالی که نمایشنامه، خود، نوع ادبی مستقلی است و به هیچ روی زیرمجموعه ادبیات داستانی به شمار نمی‌آید.

۲-۲ سرفصل‌ها

در بخش سرفصل‌ها نیز چند غلط نگارشی وجود دارد: آمدن یک «واو» عطف اضافه، «کلاسیسم» به جای «کلاسیسیسم»، «رمانیسم» به جای «رمانتیسیم»، «سورژنالیزم»، به جای «سورئالیسم»، و آوردن نام کوچک نویسنده به جای نام کامل: «جلال» به جای «جلال

آل‌احمد». ایراد روش‌شناسی، که در بخش هدف نیز به آن اشاره شد، آوردن نوع ادبی نمایشنامه زیر عنوان ادبیات داستانی است. برای این درس ده سرفصل در نظر گرفته شده است. پنج سرفصل نخست برای درسی دو واحدی معقول و منطقی به نظر می‌رسد اما پنج سرفصل دوم دامنه کار را از ظرفیت درسی دو واحدی بسیار گسترده‌تر می‌کند. مثلاً در اشاره به سرفصل‌های «داستان کودک و نوجوان و نمونه‌های ممتاز» و «داستان‌های دفاع مقدس»، با در نظر داشتن پنج سرفصل نخست، بهتر بود فقط به «آشنایی» با ادبیات کودک و نوجوان و «آشنایی» با داستان‌های دفاع مقدس بسنده می‌شد. دلیل جزیی‌نگری در سرفصل‌های ۶ و ۷ نیز روشن نیست، همچنین است توجه به تکنیک جریان سیال ذهن؛ چون در این صورت، تکنیک‌های گوناگون داستان‌نویسی نیز باید در کانون توجه قرار می‌گرفت.

۲-۳ منابع

در بخش منابع، استاندارد منع‌نویسی رعایت نشده است و مهم‌ترین اشکال در این مورد، نیاوردن سال انتشار منابع است. در این بخش دو منبع اصلی معرفی شده است. منبع نخست کتاب *عناصر داستان* نوشته جمال میرصادقی است. چون تاریخ انتشار این کتاب نیامده است، بر اساس نوبت چاپ (اول) و نام ناشر (انتشارات شفا) باید گفت سال انتشار این منبع ۱۳۶۴ ش است. این در حالی است که ناشر کتاب یادشده، از چاپ سوم (۱۳۷۶)، انتشارات سخن بوده است. گفتنی است چاپ اول و دوم کتاب، بدون هیچ تغییری در ۴۹۵ صفحه در انتشارات شفا صورت گرفته است، اما از چاپ سوم، این کتاب ویرایش شده و تعداد صفحات آن نیز به ۶۳۵ صفحه رسیده است. با توجه به تاریخ برنامه مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۱ ش)، در نظر نگرفتن ویرایش جدید این منبع در سال ۱۳۷۶ قابل چشم‌پوشی نیست. ضمناً عنوان فرعی کتاب نیز ذکر نشده است. منبع اصلی دوم *ادبیات داستانی* *قصه رمان داستان کوتاه با نگاهی به داستان‌نویسی معاصر ایران* ذکر شده است، در حالی که عنوان دقیق این کتاب (چاپ نخست، انتشارات شفا، ۱۳۶۶)، *ادبیات داستانی* *قصه، داستان کوتاه، رمان: با نگاهی به داستان‌نویسی معاصر ایران* است. گفتنی است چندین ناشر این کتاب را در سال‌های گوناگون، با تغییراتی جزیی در عنوان، چاپ کرده‌اند. صرف نظر از کم‌دقتی در معرفی دو منبع یادشده، هیچ یک از دو منبع معرفی‌شده، با وجود علمی بودن، منابع روزآمدی به شمار نمی‌آیند. افزون بر این، بخش اندکی از هدف درس را که در بخش سرفصل‌ها با تفصیل بیشتری توضیح داده شده است، در

برمی‌گیرد. به عبارتی روشن‌تر، این دو منبع هم قدیمی هستند و هم ناقص. در مورد منابع پژوهشی که منابع فرعی به شمار می‌آیند، صرف‌نظر از بی‌دقتی‌های پرشمار در معرفی منابع نیز وضعیت بر همین منوال است. مثلاً در معرفی کتاب *صد سال داستان نویسی* از حسن میرعابدینی، چاپ این کتاب در انتشارات تندر معرفی شده که متأسفانه در این جا نیز فقط چاپ اول کتاب (۱۳۶۶ - ۱۳۶۸ ش) مورد نظر بوده است، در حالی که این کتاب، به تصریح نویسنده، در سال ۱۳۷۳، برای آخرین بار بازنگری شده که در این بازنگری مطالب قابل توجهی به آن افزوده یا از آن کاسته شده است (میرعابدینی، ۱۳۸۷: ۱۴).

نمونه دیگر کتاب *قصه‌نویسی* نوشته رضا براهنی است که با توجه به نام ناشر آن، اشرفی، باز به چاپ قدیمی این کتاب ارجاع داده شده است. در فهرست‌های کتابخانه ملی، تاریخ چاپ دوم این کتاب در انتشارات اشرفی ۱۳۴۸ ش است. افزودنی است که با وجود اهمیت منبع یادشده، این کتاب در مباحث مربوط به ادبیات داستانی کتابی بسیار قدیمی به شمار می‌آید، به گونه‌ای که کاربست آن بیشتر برای بررسی سیر تحولات مربوط به مطالعات ادبیات داستانی توجیه‌پذیر است تا به عنوان منبعی درسی.

۲-۱-۳ منابع جایگزین

به نظر می‌رسد در فهرست منابع اصلی و پژوهشی برای درس ادبیات داستانی دو مشکل اساسی وجود دارد. نخست اینکه درسی با عنوان ادبیات داستانی بسیار کلی است و ارائه منابعی دقیق برای آن کاری دشوار است. دیگر اینکه منابع همه درس‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری باید هر سال به‌روزرسانی شود و به صورت برخط از طریق وب‌گاه آن وزارتخانه در اختیار دانشگاه‌ها قرار گیرد.

در این جا، برای نمونه، به تعدادی اندک از مهم‌ترین منابع ادبیات داستانی که در بخش منابع این درس تا تاریخ ۱۳۹۱ نادیده گرفته شده‌اند اشاره می‌شود: *جنبه‌های رمان* نوشته ای. ام فاستر (۱۳۵۲)؛ *سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی* از کریستوف بالایی و میشل کویی پرس (۱۳۶۶)؛ *رمان به روایت رمان‌نویسان* از میریام آلتوت (۱۳۶۸)؛ *درس‌هایی درباره داستان‌نویسی* از لئونارد بیشاپ (۱۳۷۴)؛ *مجله ارغنون*، ویژه‌نامه رمان (۱۳۷۵)؛ *داستان کوتاه* از یان رید (۱۳۷۶)^۱؛ *پیدایش رمان فارسی* از کریستف بالایی

۱. گفتنی است این کتاب بخشی از طرح بزرگی است در نشر مرکز با عنوان «مجموعه مکتب‌ها، سبک‌ها و اصطلاحات ادبی هنری» که بعضی از کتاب‌های این مجموعه می‌تواند منابع مهمی برای درس مورد نظر باشد.

(۱۳۷۷)؛ عناصر داستان نوشته رابرت ای اسکولز (۱۳۷۷)؛ مجله ارغنون، ویژه‌نامهٔ رمان عامه‌پسند (۱۳۸۳)؛ فن داستان‌نویسی نوشته گری پروست (۱۳۸۳)؛ نظریه‌های رمان از مدرنیسم تا پسامدرنیسم از دیوید لاج و دیگران (۱۳۸۶)؛ صحنه و ساختار در داستان نوشته جک ام. بیکهام (۱۳۸۸)؛ سبک و لحن در داستان از جانی پین (۱۳۸۹)؛ توصیف در داستان نوشته مونیکا وود (۱۳۸۸). از سال ۱۳۹۰ تا کنون نیز کتاب‌های زیادی در زمینهٔ ادبیات داستانی ترجمه و تألیف شده است که حیطه‌های گوناگون مربوط به ادبیات داستانی را در بر می‌گیرد. از میان کتاب‌های تألیفی، برای نمونه، کتاب سه جلدی داستان کوتاه در ایران نوشته حسین پاینده (۱۳۹۰-۱۳۸۹) و حرکت در مه: چگونه مثل یک نویسنده فکر کنیم نوشته حسن شهسواری (۱۳۹۶) تجربه‌های بومی موفقی به شمار می‌آیند.

۲-۴ جایگاه ادبیات داستانی در ساختار و کلیت برنامه

جدای از اشکالات فراوانی که به جزئیات درس ادبیات داستانی، زیرمجموعهٔ درس‌های اختیاری زمینهٔ دوم فنون ادبی دورهٔ کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۱ ش) وارد است و در مباحث قبل به بعضی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره شد، چند ایراد کلیت‌محور نیز در این زمینه می‌توان مطرح کرد. نخست اینکه با وجود اهمیت ادبیات داستانی در ادبیات فارسی (اعم از کلاسیک و معاصر)، نبودن درس یا درس‌هایی مستقل با این موضوع در برنامهٔ درسی مقطع کارشناسی رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های کشورمان ضعفی عمده و اساسی به شمار می‌آید و قرار دادن درسی با این درجهٔ اهمیت در بخش درس‌های اختیاری، اگرچه گامی به جلو به شمار می‌آید، بسنده نیست.

اگر در بررسی درس اختیاری ادبیات داستانی کل برنامهٔ کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را در کانون توجه قرار دهیم، آن‌گاه درمی‌یابیم که ایراد اساسی به کلیت برنامه و ساختار آن مربوط است و در چنین وضعیتی هر گونه تغییر در جزئیات درس‌ها، بدون اصلاحات اساسی در کلیت برنامه، نتیجه‌بخش نخواهد بود. ساختار این برنامه از سه بخش تشکیل شده است: ۱. دروس عمومی؛ ۲. دروس پایهٔ رشته شامل دروس اصلی، تخصصی و پایه؛ ۳. دروس اختیاری در سه گروه: مهارت‌های ادبی، فنون ادبی و متون ادبی. تعداد کل واحدهای درسی ۱۳۶ واحد است که بدین صورت تقسیم‌بندی شده است: ۱. دروس عمومی، ۱۸ واحد؛ ۲. دروس پایهٔ الزامی، ۱۶ واحد؛ ۳. دروس اصلی الزامی، ۶۴ واحد؛ ۴.

دروس تخصصی ۱۶ واحد؛ ۵. دروس اختیاری در سه زمینه (مهارت‌های ادبی، فنون ادبی، متون ادبی)، ۲۲ واحد. از این میان، دروس عمومی از حیطه بررسی ما خارج است. دروس پایه الزامی در قالب هشت درس دو واحدی عبارت‌اند از دستور زبان فارسی ۱ و ۲، تاریخ زبان فارسی، مرجع‌شناسی و روش تحقیق ۱، بلاغت ۱ (معانی)، بلاغت ۲ (بدیع و بیان)، و عروض و قافیه. غیر از درس مرجع‌شناسی و روش تحقیق که می‌توان آن را درسی بیشتر عملی و کاربردی به شمار آورد، بقیه درس‌های این بخش به مباحث نظری می‌پردازد. از میان ۳۲ درس اصلی الزامی، پانزده درس متون نظم، پنج درس متون نثر، شش درس عربی (قواعد و متون)، دو درس زبان انگلیسی تخصصی، یک درس جریان‌شناسی شعر فارسی، یک درس جریان‌شناسی نثر فارسی، یک درس آشنایی با علوم قرآنی، و در نهایت، یک درس با عنوان کلیات نقد ادبی. چنانکه می‌بینیم، در این بخش، که بزرگترین بخش برنامه را نیز تشکیل می‌دهد، تأکید اساساً بر متن‌خوانی است، در پنج درس مربوط به نثر، در کنار پابرجا بودن متن‌خوانی، عبارت‌های «متون ادبی - تاریخی»، «متون ادبی - داستانی»، «متون ادبی - تعلیمی»، «متون ادبی - عرفانی» و «متون تفسیری» اضافه شده است. این تغییر اگرچه در فاصله گرفتن از متن‌خوانی صرف گامی به جلو به شمار می‌آید و نشان می‌دهد که نیاز به تغییر در این درس‌ها در کانون توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته است، به علت تأکید بر متن‌خوانی، تغییری محافظه‌کارانه و اندک به شمار می‌آید.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

چنانکه دیدیم، ایراد اساسی فقط به درس ادبیات داستانی و جزئیات مربوط به هدف، سرفصل، و منابع آن مربوط نمی‌شود بلکه سرچشمه مشکل را باید در ساختار و کلیت برنامه جست‌وجو کرد، برنامه‌ای که درسی بسیار بااهمیت مانند ادبیات داستانی در بخش درس‌های اختیاری آن گنجانده شده است. در واقع، باید گفت نویسندگان و مصوبان برنامه کارشناسی زبان و ادبیات فارسی نکته و پیش‌فرضی بنیادین را در این برنامه نادیده گرفته‌اند و آن این که کلیه متون ادبی کلاسیک و معاصر فارسی (اعم از نظم و نثر) وقتی موضوع مطالعات دانشگاهی می‌شوند باید بر اساس نظریه‌های جدید ادبی تدریس و بازبینی و بازخوانی شوند. با چنین پیش‌فرضی و با عطف توجه به مطالعات میان‌رشته‌ای، می‌توان پیشنهاد کرد واحدهای بسیاری با موضوع انواع نظریه‌ها و رویکردهای نقد ادبی و درس‌هایی از رشته‌های دیگر علوم انسانی (مثلاً نظریه‌های جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی،

نظریه‌های روان‌شناسی، نظریه‌های شخصیت، زبان‌شناسی، تاریخ، و فلسفه) که آشنایی با آن‌ها از ضروریات انکارناپذیر خوانش متون با دیدگاه‌های مدرن است در این برنامه گنجانده شود. پس از آن و بر اساس دیدگاهی مدرن و جافتاده، کل متون ادبی فارسی به سه مقوله عمده ادبیات داستانی، شعر، و نمایشنامه تقسیم شود. در چنین زمینه‌ای یکایک متون ادب فارسی در جایگاهی مشخص قرار می‌گیرند و مطالعه آن‌ها نیز از حالت سنتی به طور کامل خارج می‌شود. بدین ترتیب هم مقوله‌بندی و دسته‌بندی مشخصی از متون ارائه می‌شود و هم روش خوانش این متون در چارچوبی مدرن و کاملاً مشخص و علمی قرار می‌گیرد. در چنین وضعیتی، مثلاً نوع ادبی نمایشنامه به عنوان بخشی از سرفصل‌های ادبیات داستانی معرفی نخواهد شد، زیرا هر یک از این مقولات سه‌گانه، با وجود پیچیدگی‌ای که ویژگی بسیاری از این مفاهیم است، تعریفی علمی و مشخص دارند و کل متون ادبی را می‌توان در زیر این سه مقوله دسته‌بندی کرد. برای نمونه، ادبیات داستانی^۱ با اینکه عموماً معادل رمان به کار می‌رود، یک اصطلاح ژانری است که در معنایی کلی‌تر، بسیاری از متون منثور تخیلی و تمثیلی کلاسیک را نیز شامل می‌شود و همچنین در مورد ادبیات معاصر، مصداق‌های دقیقی شامل رمان، داستان بلند، داستان کوتاه، داستانک و... وجود دارد (ن.ک. چایلدز و فاولر، ۲۰۰۶: ۸۸-۹۰). بر این اساس، در برنامه درسی دوره کارشناسی به‌راحتی می‌توان درس‌های متعددی از قبیل ادبیات داستانی کلاسیک (که خود به انواع گوناگونی قابل تقسیم است)، رمان، داستان کوتاه، داستانک و غیره را زیر عنوان ادبیات داستانی تعریف کرد.

برای ایجاد چنین تغییراتی، برنامه‌های درسی دوره کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی، فرانسه، آلمانی و... با در نظر گرفتن ویژگی‌های بومی ادبیات فارسی می‌تواند سرمشق مناسبی باشد. برای نمونه، در رشته ادبیات انگلیسی مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (آخرین به‌روز رسانی: ۱۳۸۷/۱۱/۱۲) دو درس با عنوان درآمدی بر ادبیات ۱ و ۲ گنجانده شده است. برای این درس کتاب سه جلدی *ادبیات: ساختار، آهنگ و معنا* (۱۹۷۴) نوشته لارنس پرین معرفی شده است که بسیاری از مباحث نظری مربوط به ادبیات از جمله ادبیات داستانی را در بر می‌گیرد. در این برنامه، ادبیات داستانی به دو نوع مشخص تقسیم شده و برای هر یک، درسی مجزا در نظر گرفته شده است: آشنایی با رمان ۱ و ۲، و داستان کوتاه. درسی با عنوان فنون و صناعات ادبی در این برنامه گنجانده شده است که بسیاری از

1. Fiction

مباحث مربوط به ادبیات داستانی را در بر می‌گیرد. اگرچه درس‌های مربوط به بلاغت در دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی کم نیست، بیشتر رویکردی سنتی و همچنین شعرمحور دارد. چنین تغییراتی در این برنامه همچنین به مراحل گوناگون ترجمه نظریه‌ها و رویکردهای مربوط به نظریه و نقد ادبی نظم می‌دهد و پیوند ادبیات دانشگاهی و نظریه‌های ادبی مدرن را موجب می‌شود.

سرانجام اینکه موارد مربوط به نظریه برنامه درسی در کتاب‌های دانشگاهی و بی‌توجهی به انواع گسترده دانش موجود در این زمینه و در نظر نداشتن معیارهایی از قبیل رابطه نظریه و عمل، فرایند انواع نظریه‌پردازی که در بخش‌هایی از برنامه‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دیده می‌شود (سلطانی، ۱۳۹۳) همچنین، مسئله‌محور نبودن این برنامه‌ها، به گونه‌ای که می‌توان گفت این ویژگی، چالش‌های مربوط به مسئله‌مندی نوشتن در حوزه علوم انسانی و اجتماعی در ایران را که بعضی از صاحب‌نظران بدان اشاره کرده‌اند (فاضلی، ۱۳۹۴) تشدید می‌کند، از دیگر نقایصی است که هر یک بحثی مستقل می‌طلبند.

منابع اصلی

- سلطانی، اصغر (۱۳۹۳)، «تحلیل نظریه برنامه درسی در کتب دانشگاهی ایران»، فصلنامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، سال هجدهم، شماره ۳۴، صص ۲۸-۵۰.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۴). «تشویق نوشتن: مسئله‌مندی نوشتن در حوزه علوم انسانی و اجتماعی در ایران، فصلنامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، سال نوزدهم، شماره ۳۷، صص ۱-۲۴.
- کروزه، اتو (۱۳۹۵). فن و هنر داستان‌نویسی. ترجمه پیمان کی‌فرخی. تهران: نشر اختران.
- کوندرا، میلان (۱۳۹۴)، هنر رمان. ترجمه پرویز همایون‌پور. چاپ نهم، تهران: نشر قطره.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۷)، صد سال داستان‌نویسی. چاپ پنجم، تهران: نشر چشمه.
- وات، ایان (۱۳۸۶)، طلوع رمان: از مدرنیسم تا پسا مدرنیسم. گردآوری و ترجمه حسین پاینده، تهران: انتشارات نیلوفر.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۱/۴/۴)، برنامه درسی دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، در سه زمینه ۱- مهارت‌های ادبی؛ ۲- فنون ادبی؛ ۳- متون ادبی (بازنگری)، گروه زبان و ادبیات، کمیته زبان و ادبیات فارسی، مصوب هشتادمین جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۷/۱۱/۱۲)، برنامه درسی دوره کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات، کمیته تخصصی زبان‌های خارجی، مصوب هفتمین جلسه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی.

- Moretti, F. (2010). History of the Novel, Theory of the Novel. In *Novel: A Forum on Fiction* (Vol. 43, No. 1, pp. 1-10). Duke University Press.
- Perrine, L., & Arp, T. R. (1974). *Literature: structure, sound, and sense*. Harcourt Brace Jovanovich.
- Sanders, A. (2004) *The Short Oxford History of English Literature*, 3rd ed. Oxford: Oxford University Press

منابع فرعی

- آلوت، میریام: گردآورنده (۱۳۶۸)، *رمان به روایت رمان نویسان*، ترجمه علی محمد حق شناس، تهران: نشر مرکز.
- ارغنون، مجله، *ویژگی‌نامه رمان (بهار و تابستان ۱۳۷۵)*، شماره ۹ و ۱۰، تهران.
- ارغنون، مجله، *ویژگی‌نامه ادبیات عامه پسند (پاییز ۱۳۸۳)*، شماره ۲۵، تهران.
- اسکولز، رابرت ای (۱۳۷۷)، *عناصر داستان*، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.
- بالایی، کریستف و میشل کویی پرس (۱۳۶۶)، *سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی*، ترجمه احمد کریمی حکاک، تهران: انتشارات پاپیروس.
- بالایی، کریستوف (۱۳۷۷)، *پیدایش رمان فارسی*، ترجمه مهوش قویمی و نسرين خطاط، تهران: انتشارات معین و انجمن ایرانشناسی فرانسه.
- بیارز، جکی (۱۳۷۷)، *رمانس و ملودرام*. ترجمه گروه مترجمان، تهران: انتشارات فارابی.
- بیشاپ، لئونارد (۱۳۹۱)، *درس‌هایی درباره داستان‌نویسی*، ترجمه محسن سلیمانی، نشر زلال، تهران: ۱۳۷۴؛ چاپ پنجم، تهران: سوره مهر.
- بیکهام، جک. ام (۱۳۸۸)، *صحنه و ساختار در داستان*، ترجمه پریسا خسروی سامانی، اهواز: نشر رسش.
- پاینده، حسین (۱۳۸۹-۱۳۹۰)، *داستان کوتاه در ایران (در سه جلد)*، تهران: انتشارات نیلوفر.
- پروست، گری (۱۳۸۳)، *فن داستان‌نویسی*، ترجمه محسن سلیمانی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پین، جانی (۱۳۸۹)، *سبک و لحن در داستان*. ترجمه نیلوفر اربابی، اهواز: نشر رسش.
- شهسواری، حسن (۱۳۹۵). *حرکت در مه*، تهران: نشر چشمه.
- فاستر، ای. ام (۱۳۵۲)، *جنبه‌های رمان*، ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- لاج، دیوید و دیگران (۱۳۸۶)، *نظریه‌های رمان: از مدرنیسم تا پسا مدرنیسم*. گردآوری و ترجمه حسین پاینده، تهران: انتشارات نیلوفر.
- رید، یان (۱۳۷۶)، *داستان کوتاه*. ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.
- وود، مونیکا (۱۳۸۸)، *توصیف در داستان*. ترجمه نیلوفر اربابی، اهواز: نشر رسش.